

# فارابی و نظریه تمایز وجود از مابیت

قاسم پورحسن\*

## چکیده

یکی از ابداعات فارابی و فلسفه اسلامی، طرح نظریه تمایز وجود از ماهیت است. این دیدگاه تنها در پرتو فهم معنای حقیقت وجود میسر گردید. فیلسوفان اسلامی و بطور خاص فارابی و ابن سینا، بواسطه گسست معرفتی از سنت یونانی، کوشیدند تا وجود را متفاوت از ارسطو فهم نموده و پرسش از هستی را به سؤال از چیستی شیء فرو نگاهند. فارابی علاوه بر تمایز منطقی و مفهومی، توانست تمایز وجودی را در فلسفه عرضه و تدوین نماید. ابن سینا آن را چنان بسط داد که برخی معتقدند این نظریه، دستاورد فلسفی ابن سیناست. چگونگی ارتباط وجود و ماهیت پس از مسئله بدهت و اصالت وجود، یکی از مهمترین مباحث فلسفه اسلامی تلقی میشود. فیلسوفان مسلمان در همان آغاز، تحت تأثیر تقسیم وجود به واجب و ممکن، کوشیدند تا تفاوت بنیادین دو قسم را با تبیین نسبت وجود و ماهیت شرح دهند. دو گزاره «إن الواجب ماهیته انیته» و «کل ممکن زوج ترکیبی له ماهیه و وجود»، اساس دو نوع تلقی درباره وجود و تبیین رابطه وجود با ماهیت را شکل داد. نظریه ترکیبی بودن موجودات ماهوی از دو حیث وجود و ماهیت، زائد یا عرضی بودن وجود بر ماهیت و تمایز وجود و ماهیت در موجودات، دیدگاههایی هستند که در فلسفه اسلامی با فارابی آغاز گردید و بتدریج به مهمترین مباحث در

۶۳

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی؛ ghasemepurhasan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۲۹



سال پنجم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۳

باب وجود تبدیل شد. همچنین بحثی را که فارابی درباره تشخیص ماهیات و ملاک تشخیص ارائه داد و بعدها همه فیلسوفان اسلامی آن را پذیرفته و مورد تأکید قرار دادند، تحت تأثیر همین موضوع رخ داد. در این نوشتار ابتدا تلاش خواهیم کرد تا فهم صحیحی از نظریه تمایز بکمک تبیین شالوده‌های اساسی آن بدست دهیم و سپس نتایج معرفتی و فلسفی آن را بیان کرده و اهمیت نظریه را در فلسفه اسلامی مورد توجه قرار دهیم. لازمه چنین تبیینی، بررسی تفصیلی آراء فارابی درباره وجود، معنای وجود و نسبت وجود و ماهیت است.

کلیدواژه‌ها: فارابی، معنای وجود، نظریه تمایز، سنت یونانی، نتایج معرفتی و فلسفی

\* \* \*

#### مقدمه

پرسش بنیادین فارابی، پرسش از وجود است. مابعدالطبیعه، طبیعیات، اخلاق، سیاست و علم مدنی فارابی در درون مسئله وجود، قابل فهم و ارزیابی است. وی نظام وجودی خود را با دو پرسش معنای وجود و تمایز و در گسستی از سنت یونانی شکل می‌دهد. نظریه تمایز نه در سنت یونانی بلکه با فارابی آغاز شد و ابن‌سینا آن را چنان بسط داد که به یکی از دستاوردها و بنیانهای فلسفه اسلامی تبدیل گردید. غزالی نخستین بار بواسطه عدم فهم درست معنای وجود به نقد و رد آن پرداخت و عارض را بمعنای عرض تلقی کرد. سهروردی و سپس ابن‌رشد این مناقشه فکری را گسترش دادند. ملاصدرا در *الاسفار* در همان جلد نخست به بررسی تفصیلی آن پرداخت. دغدغه و تبیین دقیق مسئله از جانب ملاصدرا نشان می‌دهد که تا زمان وی این معضل همچنان لاینحل باقی مانده بود. اهمیت طرح نظریه تمایز توسط فارابی را نمیتوان بدون بررسی و پرسش و فهم معنای وجود (بخصوص با تطبیق آن نزد ارسطو و فارابی) نشان داد.

۶۴

ارسطو در کتاب چهارم (گاما) *مابعدالطبیعه* در فصل یکم مینویسد: فلسفه دانشی است که به موجود چونان موجود<sup>۱</sup> و متعلقات یا لواحق آن بخودی خود نگرش دارد.<sup>(۱)</sup> تفاوت فارابی با ارسطو را میتوان در التفات فارابی به اصل وجود و انصراف ارسطو از وجود به موجود دانست. تنزل وجود به جوهر، اعراض، کیفیات و فقدان

1. *to on hei on*